

گفت‌وگو با عوامل مجموعه «بچه‌زنگ» که با محوریت زندگی ۸ شهید مدافع حرم مشهدی ساخته شده‌است

بچه‌های زرنگ حاج قاسم

شکیبا افخمی‌راد

گفت و گو ویژه

«این جوان چون ما راهش نمی‌دادیم که بیاید، رفت مشهد در قالب فاطمیان به اسم افغانستانی خودش را ثبت‌نام کرد تا به اینجا برسد. زرنگ به این می‌گویند! به ما و امثال ما که دنبال مال جمع کردن ... هشتیم نمی‌گویند! باذکاوت کسی است که این‌طور فرصت‌ها را به‌دست می‌آورد و بالاترین بهره را از آن می‌گیرد.... این جملات بخشی از صحبت‌های شهیدسپهد حاج‌قاسم سلیمانی درباره شهیدمصطفی صدرزاده، فرمانده تیپ فاطمیان، است که ایده اولیه ساخت مجموعه‌ای به نام «بچه‌زنگ»،را شکل داده‌است.این مجموعه از شنبه، ۱۰ دی، به مناسبت سالگرد شهادت سپهدحاج‌قاسم سلیمانی با محوریت پرداختن به نحوه اعزام و شهادت هشت‌شهیدمدافع حرم مشهدی به‌نام‌های شهیدان حسن قاسمی،دانا مصطفی ومرتبی یختی،علی‌اکبر زوار، مرتضی عطایی، حسین محرابی، مصطفی عارفی، محمد جاودانی و محمدرضا سنجرانی روی آنتن تلویزیون رفته‌است.این شهدا همان بچه‌زنگ‌های شهیدسلیمانی هستند که با روشی متفاوت خودشان را به مناطق عملیاتی سوریه و عراق رساندند تا او را در جنگ با دشمنان همراهی کنند. «بچه‌زنگ، به تهیه‌کنندگی ابوالفضل حاجتمند و نویسندگی عباس هادیان، از تولیدات شبکه ۲ و با مشارکت بنیاد شهید و ایثارگران خراسان رضوی است. محمدمهدی خالقی، داوود مرادیان، جواد علیزاده و حسین امانی نیز چهار کارگردان این مجموعه مستند درام (داکیودرام) هستند که با نگاه‌هایی متفاوت نحوه اعزام هشت شهید به سوریه را در هشت قسمت به تصویر کشیده‌اند.

- ایفای نقش خانواده شهدا در مجموعه

ابو الفضل حاجتمند، تهیه کننده مجموعه «بچه‌زنگ»، دربارهٔ آن توضیح می‌دهد: ایده ساخت این مجموعه متعلق به آقای عباس هادیان است. او بر اساس کتابی به نام «فراری‌ها»، فیلم‌نامه «بچه‌زنگ»، را نوشته و در آن

به‌رمزنده‌های ایرانی پرداخته‌است که‌مجبور می‌شوند خودشان را افغانستانی جا‌زنند تا با تیپ فاطمیان یا از طریق عراق به سوریه بروند. به گفته او از میان هشت اپیزود مجموعه، داستان پنج شهید در کتاب آمده است و سه نفر دیگر هم با نظر گروه سازنده انتخاب شده‌اند.حاجتمند با اشاره به صحبت شهیدسلیمانی که در تیزر مجموعه هم آمده‌است،بیان می‌کند: درواقع ایده اولیه فیلم از صحبت‌های حاج قاسم و تعریف‌او از عبارت «بچه‌زنگ، گرفته شده‌است.این تهیه‌کننده درباره انتخاب چهار کارگردان برای ساخت مجموعه «بچه‌زنگ، نیز می‌گوید: ما می‌خواستیم از سلیقه‌های متنوع در ساخت قسمت‌های مختلف بهره بگیریم. از طرف دیگر برای تولید و آماده شدن کار عجله داشتیم. از این‌رو با چهار کارگردان همکاری کردیم. به گفته او درمجموع مرحله تولید مجموعه پنجاه روز زمان برده‌است.حاجتمندبا اشاره به همکاری خانواده شهدا در ساخت مجموعه «بچه‌زنگ،بیان می‌کند: ماشرمنده کمک‌های خانواده شهدا هستیم. برای مثال لوکیشن‌ها، تقریباً خانه اصلی خود شهدا بود و در چند قسمت هم پدر و مادر شهدا ایفای نقش کردند. او درباره حضور برادران شهدا در این مجموعه نیز یادآوری می‌شود: در چهار قسمت برادران شهدا خودشان نقش برادر شهیدشان را ایفا کردند تا سربال‌حس‌وحال بهتری داشته‌باشد و مصنوعی نباشد.حاجتمند درباره پخش مجموعه «بچه‌زنگ، در این روزها بیان می‌کند: حاج‌قاسم بچه‌های مدافع حرم افغانستانی و ایرانی را بسیار دوست داشت. درواقع این شهدا فرزندان

شهیدسلیمانی در سوریه بودند. به همین دلیل هم کار در ایام شهادت حاج‌قاسم پخش می‌شود و امیدوارم از ما راضی باشد. او درباره ارتباط هشت شهید «بچه‌زنگ، با شهید سپهدسلیمانی نیز می‌گوید: بیشتر آن‌ها با حاج‌قاسم در ارتباط بودند، ولی زمانی که در سوریه حاضر شدند، در سریال به این موضوع پرداخته نشده‌است. چون ما قصه نحوه اعزام بچه‌ها را پیش از حضور در سوریه به تصویر کشیده ایم. حاجتمند با اشاره به امکان ساخت ادامه مجموعه «بچه‌زنگ، تصریح می‌کند: مدیران شبکه ۲ همه تلاششان را کردند تا این مجموعه آماده پخش شود. آن‌ها همچنین به‌ما قول داده‌اند که «بچه‌زنگ، ادامه یابد و با شهادت این هشت نفر تمام نشود، یا اینکه فصل جدید مجموعه ساخته شود. این تهیه‌کننده درباره ضرورت پرداختن به شهدای مدافع حرم در آثار تصویری می‌گوید: تا امروز برای شهدای مدافع حرم آثار داستانی کمی ساخته شده‌است. این شهدا که در میانشان هم از بالای شهر و هم از پایین شهر دیده می‌شود، شهدای دهه‌نودی ما هستند، افرادی که برای دفاع از اسلام و انقلاب رفته‌اند و باید به نسل جوان معرفی شوند. به نظر من «بچه‌زنگ، می‌تواند باب تازه‌ای برای پرداختن به شهدای مدافع حرم باشد.

- تلاش برای اعزام شدن به سوریه

محمدمهدی خالقی که کارگردانی دو قسمت از هشت قسمت مجموعه «بچه‌زنگ، را برعهده داشته است، درباره حضورش در این پروژه توضیح می‌دهد: زمانی که من به پروژه پیوستم، فیلم‌نامه‌های مجموعه آماده شده بود.

آن زمان به من پیشنهاد ساخت دو قسمت از کار را دادند و من قسمت شهیدمصطفی عارفی و شهیدمحمد جاودانی را انتخاب کردم. این فیلم‌ساز درباره بهره‌گیری از سبک داکیودرام در ساخت این

مجموعه نیز می‌گوید: داکیودرام گونه‌ای میان ژانر مستند و داستانی است و من این سبک را دوست دارم. از این‌رو به آن پایبند بودم. البته فیلم‌نامه‌ها و نریشن‌های دو قسمت خودم را بنا به اقتضائاتی که وجود داشت، به‌طور کامل بازنویسی کردم. او ادامه می‌دهد: برخی از سوز‌ها را نمی‌توان به‌صورت فقط داستانی کار کرد، چون از واقعیت خود دور می‌شوند. همچنین به‌صورت مستند هم نمی‌توان به آن‌ها پرداخت. چون اطلاعات و آرشيو چندانی درباره این سوز‌ها در دسترس نیست.

در این اوضاع از گونه داکیودرام استفاده می‌کنیم که سعی می‌کند در اثری داستانی به واقعیت و فضای مستند نزدیک شود. ما هم در مجموعه «بچه‌زنگ، تلاش کردیم که کارمان واقعی و نزدیک به فضای مستند باشد. این فیلم‌ساز درباره مجموعه «بچه‌زنگ، می‌گوید: در سال‌های شروع جنگ سوریه، اعزام ایرانی‌ها به این مناطق ممنوع بود و فقط ملیت‌های دیگری که به فضای انقلاب اسلامی و نیروی قدس متصل بودند، به جنگ فرستاده می‌شدند. اما ایرانی‌ها به‌دلیل علاقه‌ای که به جهاد و دفاع از حرم داشتند، روش‌های گوناگونی را امتحان می‌کردند تا به سوریه بروند. در سریال «بچه‌زنگ، هم به خیلی از این موارد اشاره شده‌است. برای مثال این افراد مدارک غیرایرانی برای خودشان فراهم می‌کردند و لجه‌های دیگر را یاد می‌گرفتند. «بچه‌زنگ، قصه این بچه‌ها و درباره تلاش‌ها، سختی‌ها و موانع اعزام تعدادی از شهدای مدافع حرم ایرانی به سوریه است. یعنی همه قسمت‌ها با اولین سفر آن‌ها به سوریه به پایان می‌رسد. خالقی با اشاره به پخش مجموعه «بچه‌زنگ، در ایام شهادت سردارسلیمانی، بیان می‌کند: این شهدا افرادی هستند که به عشق حاج قاسم و با دستور و فرماندهی ایشان به سوریه رفتند و علت پخش «بچه‌زنگ، در این روزها، مسئله دفاع از حرم است.

- تلاش برای اعزام شدن به سوریه

محمدمهدی خالقی که کارگردانی دو قسمت از هشت قسمت مجموعه «بچه‌زنگ، را برعهده داشته است، درباره حضورش در این پروژه توضیح می‌دهد: زمانی که من به پروژه پیوستم، فیلم‌نامه‌های مجموعه آماده شده بود.

آن زمان به من پیشنهاد ساخت دو قسمت از کار را دادند و من قسمت شهیدمصطفی عارفی و شهیدمحمد جاودانی را انتخاب کردم. این فیلم‌ساز درباره بهره‌گیری از سبک داکیودرام در ساخت این

مجموعه نیز می‌گوید: داکیودرام گونه‌ای میان ژانر مستند و داستانی است و من این سبک را دوست دارم. از این‌رو به آن پایبند بودم. البته فیلم‌نامه‌ها و نریشن‌های دو قسمت خودم را بنا به اقتضائاتی که وجود داشت، به‌طور کامل بازنویسی کردم. او ادامه می‌دهد: برخی از سوز‌ها را نمی‌توان به‌صورت فقط داستانی کار کرد، چون از واقعیت خود دور می‌شوند. همچنین به‌صورت مستند هم نمی‌توان به آن‌ها پرداخته شده‌است، جزو افرادی هستند که راهی جنگ شدند. شهیدسلیمانی هم درباره این افراد صحبتی دارند که در تیزر مجموعه آمده‌است. او با اشاره به پایان مراحل تولید اپیزود خود در هفته گذشته، ادامه می‌دهد: وقتی تهیه‌کننده با من تماس گرفت و اسم شهیدزوار را به من گفت، کمی درباره او تحقیق کردم و به شخصت و عملکردش علاقه‌مند شدم. علاوه بر این، مجموعه درباره مدافعان حرم بود و من دوست داشتم در این زمینه کار کنم. این فیلم‌ساز بیان می‌کند: شهیدزوار سه‌بار برای اعزام به سوریه اقدام کرد که دوبار اول هویتش را فهمیدند و از اعزامش جلوگیری کردند، اما بار سوم مدارکی تهیه کرد و سرانجام راهی جنگ شد. شهیدزوار شی که قرار بود فردایش برای مرخصی به ایران بیاید، شهید شد و پس از یازده ماه پیکرش به کشور برگردانده شد، اما از آنجا که با هویت افغانستانی راهی جنگ شده بود، مدتی زمان برد تا در ایران هویتش مشخص شود. علیزاده با اشاره به درام‌پردازی که در مجموعه صورت گرفته است، می‌گوید: من علاوه بر خواندن فیلم‌نامه، خود هم با خانواده شهید صحبت کردم. آن‌ها مواردی را بیان کردند که در فیلم‌نامه و کتاب «فراری‌ها» نبود. اما از آنجا که درام‌داستان را قوی‌تر می‌کرد، با اجازه نویسنده این موارد را در قسمتم لحاظ کردم. او یادآوری می‌شود: آنچه مخاطبان در فیلم می‌بینند، برگرفته از خاطرات شهیداست. یعنی ساخته و پرداخته ذهن کارگردان نیست. البته ما دخل و تصرفی داشته‌ایم تا درام قضیه بیشتر و داستان تأثیرگذارتر شود. اما دست کم حدود ۹۰ درصد از اتفاقات اپیزودی که من کار کرده‌ام، قصه‌های واقعی بوده‌است.

مجموعه نیز می‌گوید: داکیودرام گونه‌ای میان ژانر مستند و داستانی است و من این سبک را دوست دارم. از این‌رو به آن پایبند بودم. البته فیلم‌نامه‌ها و نریشن‌های دو قسمت خودم را بنا به اقتضائاتی که وجود داشت، به‌طور کامل بازنویسی کردم. او ادامه می‌دهد: برخی از سوز‌ها را نمی‌توان به‌صورت فقط داستانی کار کرد، چون از واقعیت خود دور می‌شوند. همچنین به‌صورت مستند هم نمی‌توان به آن‌ها پرداخته شده‌است، جزو افرادی هستند که راهی جنگ شدند. شهیدسلیمانی هم درباره این افراد صحبتی دارند که در تیزر مجموعه آمده‌است. او با اشاره به پایان مراحل تولید اپیزود خود در هفته گذشته، ادامه می‌دهد: وقتی تهیه‌کننده با من تماس گرفت و اسم شهیدزوار را به من گفت، کمی درباره او تحقیق کردم و به شخصت و عملکردش علاقه‌مند شدم. علاوه بر این، مجموعه درباره مدافعان حرم بود و من دوست داشتم در این زمینه کار کنم. این فیلم‌ساز بیان می‌کند: شهیدزوار سه‌بار برای اعزام به سوریه اقدام کرد که دوبار اول هویتش را فهمیدند و از اعزامش جلوگیری کردند، اما بار سوم مدارکی تهیه کرد و سرانجام راهی جنگ شد. شهیدزوار شی که قرار بود فردایش برای مرخصی به ایران بیاید، شهید شد و پس از یازده ماه پیکرش به کشور برگردانده شد، اما از آنجا که با هویت افغانستانی راهی جنگ شده بود، مدتی زمان برد تا در ایران هویتش مشخص شود. علیزاده با اشاره به درام‌پردازی که در مجموعه صورت گرفته است، می‌گوید: من علاوه بر خواندن فیلم‌نامه، خود هم با خانواده شهید صحبت کردم. آن‌ها مواردی را بیان کردند که در فیلم‌نامه و کتاب «فراری‌ها» نبود. اما از آنجا که درام‌داستان را قوی‌تر می‌کرد، با اجازه نویسنده این موارد را در قسمتم لحاظ کردم. او یادآوری می‌شود: آنچه مخاطبان در فیلم می‌بینند، برگرفته از خاطرات شهیداست. یعنی ساخته و پرداخته ذهن کارگردان نیست. البته ما دخل و تصرفی داشته‌ایم تا درام قضیه بیشتر و داستان تأثیرگذارتر شود. اما دست کم حدود ۹۰ درصد از اتفاقات اپیزودی که من کار کرده‌ام، قصه‌های واقعی بوده‌است.

سینمای مستند است که بدبختانه در کشور ما به اندازه کافی قدر آن دانسته نمی‌شود.

- نیازمند نگاهی دیگر

در میان مستندهای پر تعداد ساخته شده درباره شهیدسلیمانی، چند اثر بسیار خوش ساخت و مهم به چشم می‌خورد؛ از جمله مستند «۲۲ ساعت» که به سه روز پایانی زندگی سردارسلیمانی و شهادت ایشان می‌پردازد و همچنین مستند «۳۶۰ درجه محاصره» اثر حامد هدایان که به واقعه شصت‌حصر امرلی مبتنی شده است. از دیگر مستندهای مهم تولیدشده درباره زندگی و شخصیت شهیدسلیمانی می‌توانیم به آثاری ازجمله پرواز یک ویست دقیقه»، اثر مهدی نقویان که بر منش و اخلاقی فردی حاج‌قاسم متمرکز است، «خاطرات آن مرد، ساخته ساسان فلاخر با نگاهی به خاستگاه خانوادگی ویومی شهیدسلیمانی و «چند قدم آن طرف‌تر»، به کارگردانی محمدفرح صالحی که سردارسلیمانی را از نگاه اعضای تیم حفاظتی مورد بازنمایی قرار می‌دهد، اشاره کنیم. اما نکته مهم درباره این مستند این است که هرکدام از آن‌ها گویی قطعه‌ای مجزا از یک پازل بزرگ هستند؛ یعنی از لحاظ لحن روایت و فرم اجرایی، مشابهت زیادی بینشان به چشم می‌خورد. تماشای همه این مستندها می‌تواند دید وسیع و عمیقی به مخاطب درباره سردارسلیمانی بدهد، اما لزوم تولید یک اثر جدید که خلاقیت در تار و پودش تنیده شده باشد، همچنان احساس می‌شود.

- عزم ملی در سینما و تلویزیون

تقریباً از زمان شهادت سردارسلیمانی، گاهی خبر تازه‌ای از تصویب و شروع پیش تولید یک فیلم یا سریال جدید با محوریت شخصیت حاج‌قاسم شنیده می‌شود. اما تا امروز هیچ کدام به پرده نفره‌ای نرسیده‌اند. در سومین سالگرد شهادت ایشان، صحبت از سه‌چهار عنوان اثر سینمایی یا سریالی درباره این شخصیت برجسته انقلاب اسلامی مطرح است که بیشتر آن‌ها قار است با عواملی از سطح دوم سینما و تلویزیون ایران ساخته شوند.

به نظر می‌رسد که درباره انجام این رسالت ملی در عرصه نمایش، بهترین راه هدایت کردن همه ظرفیت‌ها به کانالی مشخص و تجمیع انرژی و بودجه برای ساخت اثری فاخر است که در حد و اندازه‌های شخصیت اصلی باشد و در یادها بماند. خوشبختانه سینمای ایران به تازگی تجربه موفق ساخت «موقعیت مهدی» را از سر گذرانده است که نشان می‌دهد صرف هزینه در کانال مطمئن و همکاری سینما و تلویزیون می‌تواند به تولید آثار شایان توجه و دیدنی بینجامد، مشروط بر اینکه کار به کاردان سپرده شود و حمایت‌های لازم انجام شود.

یادداشت روز

هنر و ادای دین به شهید سلیمانی



هنر از جمله موارد مهمی است که همواره با مفهوم تعهد همراه بوده است. این ارتباط پیوسته و ژرف تا بدان جا اهمیت می‌یابد که حتی می‌توان این گونه ادعا کرد که هنر خالی از تعهد اساسا هنر نیست. متعهد بودن هنر به ویژگی‌های برجسته فطری انسان و ساختارمندی و چارچوب‌محوری آن در راستای ارزش‌های والای الهی وضعیتی را به وجود می‌آورد که خالق اثر هنری یا همان هنرمند نیز به‌دلیل حرکت در جریان هنر متعهد، خود به فردی برخوردار از تعهد بدل می‌شود. بر این بنیاد می‌توان گفت اگر کسی به ارزش‌های مبنایی انسان حقیقی تعهدی احساس نکند، امکان آفرینش اثر هنری به معنای راستین و واقعی آن را نخواهد داشت. باید بگوییم هنرمند کسی است که از زبان هنر برای انجام تعهد خویش به جامعه و حرکت آن در مسیر تعالی بهره می‌برد.

یکی از مفاهیم مهم برای جامعه ایرانی که در پرگار مفهوم مرکزی انقلاب اسلامی حرکت می‌کند، استکبارستیزی است. این موضوع به‌عنوان ارزش در دایره‌محتوایی اندیشه انقلاب اسلامی جایگاهی ویژه و مشخص دارد. آشکار است که هنر و هنرمند نیز به‌عنوان یکی از بخش‌های برجسته و مؤثر جامعه به این ارزش اساسی مسئولیت جدی و انکارناپذیر دارد. اتفاقاً هنرمند وظیفه دارد تا برای حفظ پویایی جامعه خویش ارزش‌ها را در قالب آثار متنوع هنری فراوری کند و به‌طور غیرمستقیم اما اثر بخش به مخاطبان داخلی و خارجی ارائه نماید. هدف از تولید برای مخاطبان داخلی حفظ پیوستگی ارزش در میان نسل‌های گوناگون و برای مخاطبان خارجی ارائه تصویر درست، دقیق و یکپارچه از کلیت جامعه است.

در جوامع بسیاری به‌علت برخورد انبوند از ظرفیت‌ها، تاریخ و هویت ویژه خویش یا ضعف بنیادهای ارزشی امکان پرداخت آثاری برآمده از واقعیت ملموس جامعه فراهم نیست و این کشورها به‌ناچار با روش‌های تقلیدی و تقلید از آثار متنوع هنری فراوری نقیوت‌ارزش‌های مدنظر خویش و به تبع آن نقیوت سرمایه اجتماعی اقدام می‌کنند. به‌عنوان مثال، مروری بر آثار هنری کشوری مانند ایالات متحده آمریکا به خوبی نشان می‌دهد که چگونه یک کشور بی‌هویت می‌کوشد تا با جعل تاریخ برای خویش هویتی مهیا سازد و بر پرتو این هویت غیرواقعی و برآمده از خیال سرمایه اجتماعی خود، را توسعه دهد. فیلم سینمایی، نجات سرجوخه‌ایان، که نزدیک به جریان‌های صهیونیستی است، نمونه‌ای از قهرمان‌سازی‌های خیال‌پافانه آمریکایی برای هویت‌سازی به شمار می‌رود.

این درحالی است که ایران اسلامی با برخورداری از تاریخ کهن، مبانی معرفتی اسلامی راهگشا و جهان‌شمول و دانشی دیرین از منابع رنگارنگ هنریتی برخوردار است که هر یک می‌تواند مبنای آفرینش ده‌ها اثر هنری ماندگار باشد. آثاری که اگر از لحاظ فنی به‌درستی پرداخت شوند، می‌توانند در سایه جنبه معرفتی خویش در استعلائی جامعه ایرانی نقشی سترگ ایفا کنند.

شهیدبزرگوار حاج‌قاسم سلیمانی از نمونه‌های درخشانی است که در تاریخ تمدنی ایران همتا ندارد. شخصیت یگانه ایشان به‌دلیل معاصر بودن وضعیتنی را ایجاد کرده است که برخلاف بسیاری از اسطوره‌های بزرگ تاریخی که به‌مدد خیال پردازی و غلوهای ادبی و هنری آفرینندگان طرح شده‌اند و ملموس نیستند، برای مخاطب امروز بسیار زنده‌و‌باورپذیر است. چنانچه شخصیت رستم در ادبیات برجسته‌حساسی ایران را در نظر بگیریم، می‌بینیم که بسیاری از وجوه شخصیتی او به‌دلیل غلوآمیز بودن مورد توجه و نظر مخاطب امروز قرار نگیرد، اما شهیدسلیمانی از همان مشخصات و ویژگی‌ها و البته حتی فراتر برخوردار است. اما به دلیل ملموس بودن و معاصرت با مخاطب برای او کاملاً باورپذیر و درونی می‌شود.

اکنون می‌توان گفت با توجه به ارزش بنیادین استکبارستیزی در ایران اسلامی و وجود شخصیتی مانند شهیدسلیمانی که همه‌عمر گران قدر خویش را به مبارزه با استکبار در ترازهای گوناگون سپری کرد، باید وظیفه‌ای سنگین برای هنر و هنرمند تصور کرد. چنانچه اشاره شد، هنرمند به جامعه خویش تعهد دارد و هنرمندی که در جامعه‌ای زیست می‌کند که قهرمانی مانند شهیدسلیمانی دارد، بهانه‌ای برای کوتاهی در انجام وظیفه خویش که معرفی و ترویج راه و آرمان این شخصیت ملموس و واقعی است، نخواهد داشت. شهید به‌عنوان پایتخت فرهنگی و معنوی ایران با برخورداری از طیف وسیعی از هنرمندان تعهد خویش به تکثیر آرمان شهیدسلیمانی یعنی استکبارستیزی و البته معرفی آن شهید گران قدر را انجام نداده است. گام نخست تولید ادبیات پایه در معرفی شهیدسلیمانی در قامت شخصیتی چندجانبه است، شخصیتی که به جز توانمندی‌های نظامی از ظرفیت عظیم معرفتی و فرهنگی نیز برخوردار بود. ادبیات مبنای تولید آثار هنری بدی است، اما حقیقت آن است که نه در تراز ادبیات پایداری و شفاهی و نه در قامت نگارش رمان و داستان کوتاه درباره ایشان ادای دین کرده‌ایم. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگر به قهرمانان واقعی نیاز دارد تا با امید به مسیر خویش ادامه دهد. شهیدسلیمانی الگویی بی‌بدیل به‌عنوان قهرمان برای نسل‌های گوناگون است. نقش هنر سینما در قهرمان‌سازی برجسته‌تر از حوزه‌های دیگر است. سینما جز در لایه مستند که کمی به شهیدسلیمانی پرداخته، در مسیر الگوسازی از ایشان مؤثر عمل نکرده است. ماندگاری نام و خاطره این شهید عزیز در دوره‌های گوناگون رمز انسجام نسلی سرمایه اجتماعی ماست. این هنر است که باید شهیدسلیمانی را به نسل‌های آینده معرفی کند. در حوزه هنرهای تجسمی به دلیل قدرت و سابقه درخشان مشهد مقدس، آثار ماندگاری در حوزه نقاشی و گرافیک خلق شده است. اما همچنان در حوزه‌های دیگر با خلأ روبه‌رو هستیم. ضمن آنکه فارغ از نکات یادشده، هنرمندی که امروز در بستری آرام و امن زمینه آفرینش و ارائه اثر هنری را یافته، مدیون خون بزرگانی مانند شهیدسلیمانی است و کمترین کاری که می‌تواند انجام دهد، مستندسازی زندگی ایشان، الگوساختن از ایشان برای طیف‌های گوناگون جامعه، روایت درست برای مخاطبان بین المللی و نمایش وجوه شخصیتی گوناگون ایشان است.

شهر

۳۰ آذر ۱۳۹۴
شماره ۳۰۰۰

SHAHRA NEWS.IR



فرمانده



محمد جواد استانی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی